

مروری کلی بر وصیت نامه

سپس فاطمه سخت بیمار شد و چون احساس به فرا رسیدن مرگ خویش کرد، ام ایمن و اسماء بنت عمیس را احضار فرمود و کسی را به دنبال علی فرستاد و چون علی آمد، به او گفت: ای پسر عمو! احساس می کنم که مرگ من فرا رسیده است و چنانم که تزدید ندارم به اینکه هر ساعت به پیوستن به پدرم نزدیکتر می شوم و اکنون به چیزهایی که در دل دارم ترا وصیت می کنم. علی فرمود: ای دختر رسول خدا! به آنچه می خواهی وصیت کن، و کنار بالین او نشست و هر که را در خانه بود، از خانه بیرون کرد. سپس فرمود: ای پسر عمو! می دانی که هرگز دروغ نگفته ام و از هنگامی که با یک دیگر زندگی مشترک داریم با تو مخالفتی نکرده ام علی فرمود: پناه بر خدا که تو به احکام خدا داناتر و پرهیز کارتر و بهتر از آنی و بیشتر از آن از خدا می ترسی که من فردای قیامت بتوانم بگویم که مخالفتی با من روا داشته ای و مفارقت و از دست دادن تو بر من سخت گران است، ولی افسوس که از این جایی چاره نیست و به خدا سوگند با مرگ تو مصیبت از دست دادن پیامبر بر من تازه می شود و مرگ تو و از دست دادن تو مصیبتی بسیار بزرگ است، ولی همگان از خداییم و همگان به سوی او باز گردند ایم و این مصیبت چه سخت و درد انگیز و دشوار و اندوه افزایست. و این اندوهی است که چیزی مایه تسکین آن نیست و هیچ چیز آن را جبران نمی کند، و ساعتی هر دو گریستند و علی سر فاطمه را بر سینه نهاد و گفت: به آنچه می خواهی وصیت کن که به هر چه وصیت کنی رفتار خواهم کرد و فرمان تو را بر خواسته خود ترجیح می دهم. فاطمه سپس فرمود: وصیت می کنم برای حمل جسد من تابوتی بسازی که تصویر آن را دیدم و فرشتگان نشانم دادند. علی گفت: چگونگی آن را توصیف کن، و فاطمه برای او توصیف کرد و علی چنان تابوت و سریری فراهم کرد، و این نخست تابوتی بود که ساخته شد و پیش از آن کسی چنان فراهم نساخته بود. فاطمه سپس فرمود: به تو وصیت می کنم که هیچ یک از این کسان که بر من ستم روا داشتند و حق مرا گرفتند، در تشییع جنازه ام حاضر نشوند که آنان دشمنان من و دشمنان رسول خدایند و اجازه مده که هیچ یک از پیروان ایشان هم شرکت کنند و چون چشمها مردم به خواب رفت و آرام گرفت، مرا در نیمه شب به خاک بسپار.

کانون تخصصی سعی



کتاب

خانوادهات رو دریاب

کتاب
ریحانی



کتاب
معجزه یگانگی



کتاب
ازدواج آکاهانه



ای اطلاع از آلبوم های دیگر و پژوهش طای آموزشی طا
کد دستیزی زیر اشاره گیری کنید.

۰۹۰۹۰۱۰۵۵۶۶

مروری تربیتی در
رشد ساحت خانوادگی
در وصیت نامه حضرت زهرا

أصول ترتیبی رشد ساخت خانه‌ای در ۹ صیغه‌ای که حضرت رضا

الصلی علیہ وسالم

فَقَالَ يَا ابْنَ عَمِّ إِنَّهُ قَدْ تَعَيَّنَ لِكَ تَقْسِيٌّ وَإِنَّهُ لَأَرَى مَا يَبْيَأُ لَا أَشْكُ إِلَّا

احسنان می کنم که
مرگ من فرار سیده است.

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب اول

وَأَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءٍ فِي قُلُوبِ كُلِّهَا
عَلَى أُوصِيَّ بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بُنْتَ رَسُولِ اللَّهِ
فِجْلَسْ عَنْ رَأْسِهَا وَأَتْخِرْ مِنْ كُلَّ كَيْفَيْتِ

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب دوم

ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدْتَنِي
لَا كَيْفَةَ وَ
الْأَعْالَمْتُكَ مُنْذَ عَاشْرِتِي

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب چهارم

فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتَ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرَأُ أَنْتَ وَأَكْرَمُ وَأَكْنَدُ حَوْنَافَ مِنْ اللَّهِ أَنْ أُبَخِّ

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب پنجم

فَقَدْ عَزَّ عَلَى بِمَفَارِقَتِكَ وَبِفَقْدِكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا يُبَدِّلُ مِنْهُ وَاللهُ جَدٌ عَلَى مُصِيبَةٍ
رَسُولُ اللَّهِ وَقَدْ عَظَمَتْ وَفَاتَكَ وَفَقْدَكَ فِي نَاسِ اللَّهِ وَإِنَّ إِنْتَهِ رَاجِحُونَ

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب ششم

فَقَالَ أَوْصِينِي بِمَا شَفَتْ فَإِنَّكَ تَعْجِيزِي وَقِيًّا أَمْضِيَ كُلَّ مَا أَمْرَتَنِي بِهِ وَأَخْتَارَ
مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَأَمْهَا وَأَمْضَاهَا وَأَخْرَجَهَا هَذِهِ وَاللهُ مُصِيبَةٌ لَا عَزَاءَ عَنْهَا وَ
رَزِيْهُ لَا خَلْفٌ لَهَا ثُمَّ بَكِيَ جَمِيعًا سَاعَةً وَأَخْذَ عَلَى رَأْسِهَا وَضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب هفتم

ثُمَّ قَالَ جَرَأَكَ اللَّهُ عَنِّيْ خَيْرُ الْجَرَاءِ يَا ابْنَ عَمِّ أَوْصِيكَ يَا ابْنَ عَمِّ أَنْ تَتَخَذَ لِي
نَعْشا فَقَدْ رَأَيْتَ التَّلَائِكَ صَوْرًا صَوْرَتَهُ
هَذِهِنَّ أَرْهَابَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَنَامَتِ الْأَبْصَارَ

الصلی علیہ وسالم

بپوشور شب هشتم

فَقَالَ لَهَا صِفَهِ أَنَّهُ فَوْصَفَهُ فَأَتَاهُ لَهَا فَأَقْلَعَ نَعْشَ عَمَلَ فِي وَجْهِ الْأَرْضِ ذَكَرَ وَ
مَا رَأَى أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا عَمَلٌ أَحَدٌ



سَبِّكْ فَوْنَدَنْشن

